

علی اصغر حاتمی  
حمید اشکانی

## رابطه افسردگی و بزهکاری در نوجوانان

### مقدمه :

امروزه نسل جوان و بویژه نوجوانان که قسمت اعظم جمعیت هر کشور را تشکیل می دهند بیش از همه سطوح سنی مورد توجه و عنایت کارشناسان اجتماعی و روانشناسان و روانپزشکان و جرمشناسان و بالاخره متفکرین علوم تربیتی بوده و بیشترین مطالعات و تحقیقاتی که بر محور ساختار اجتماعی صورت می گیرد متمرکز بر اصلاح رفتار و اندیشه این گروه خاص و مصروف بازیافت عوامل مؤثر در انحراف و یا ارشاد این گروه سنی معین است .

شاید مهمترین دلیل توجه خاص متخصصین و اندیشمندان علوم مختلف انسانی باین امر در درجه اول نقش مؤثری است که جوانان و نوجوانان در ساختار آینده هر جامعه داشته و در درجه دوم اکثریت نسبی تعداد این افراد نسبت به گروههای سنی بالاتر است، بخصوص که غفلت از این نسل مصیبتهای بزرگی را متوجه جامعه نموده و موجب اضمحلال و فرو ریختن نظام اجتماعی و گسیختگی شیرازه قوام یک یا چند نسل متوالی می گردد. بنابراین اگر تمامی کوشش فرهنگ شناسان و مربیان اجتماعی صرف اصلاح همین نسل شود عالیترین بازده در ساختن اجتماعی سالم و بدور از آفات فرهنگی حاصل خواهد گردید.

سالم‌سازی محیط اجتماعی و مصونیت بخشیدن به نیروهای سازنده هر اجتماع در مقابل خطرات ویرانگر مفاسد اجتماعی بویژه در دنیای پرمخاطره معاصر که دجال زمان براه افتاده تا گوشه‌های مستعد و مهیای شنیدن مغنیات فریبنده را بخود جلب کند مسئولیت بزرگ منادیان حق و نویسندگان توانا و آگاه باین خطرات و وظیفه نمایانیدن راههای جلوگیری از آن است.

اگر دیروز به لحاظ بسته بودن واحدهای اجتماعی و محدود بودن وسائل ارتباط جمعی و کم بودن فراغت افراد جهت پرداختن به مسائل تفننی بدلیل پیچیده و فراوانی فرصتهای پرداختن به امور تفننی و رفاه بیش از حد موجبات میل به عوامل مخرب و روی آوردن به مفاسد اجتماعی و تبهکاریها در سنین اولیه عمر و دوران نوجوانی که نیروی هوس بر نیروی تعقل تفوق دارد بسی چشمگیر و بارزتر است تا دوران بلوغ اندیشه و پختگی اخلاقی.

در اینجا با انگیزه شناسائی یکی از آفات مهم اجتماعی و بلایای شایع دوران معاصر به بررسی اجمالی بیماری افسردگی و ارتباط آن با بزهکاری می‌پردازیم و در این مقاله می‌کوشیم در درجه اول باختصار افسردگی را از دید روانپزشکی تحلیل نموده و سپس به تأثیرات آن در توسل به رفتار مجرمانه و بزهکاری بپردازیم.

### بررسی اجمالی بیماری افسردگی

افسردگی می‌تواند بویژگیهای مختلفی نسبت داده شود و در بیانی کوتاه افسردگی عبارتست از حالت روانی خاص یک شخص که تحت تأثیر عوامل مختلف یا در قبال مسائل و مشکلات روزمره در خود احساس غم و اندوه و تأثر مداوم نموده و در نتیجه تعادل روحی لازم جهت ارضای مطلوب نیازهای خود را ندارد. (۱)

با توجه به تعریف افسردگی که فوقاً اشاره شد مهمترین علائم افسردگی عبارتند از احساس غم و اندوه مداوم، از دست دادن علاقه بانجام فعالیتها احساس تنهایی و بی‌ارزش بودن، اختلالات خواب و نداشتن اشتها.

این علائم در صورت تشدید اهمیت کلینکی یافته و شخص مبتلا باین حالت بعنوان بیمار تلقی شده و این حالت را روانپزشکان نوعی سندرم یا بیماری

می‌دانند<sup>(۱)</sup> نکته مهم در این رابطه آنست که نوجوانان معمولاً قادر به بیان احساس افسردگی خود نبوده و در این سنین افسردگی تنها در رفتار و کردار شخص تجسم می‌یابد،<sup>(۲)</sup> که تفصیل آنرا تحت عنوان نتایج افسردگی بررسی خواهیم کرد. معذالک باید توجه داشت که علائم افسردگی در بین پسران در دوران بلوغ دو برابر دختران است ولی این علائم در دختران بعد از بلوغ به میزان دو برابر پسران می‌باشد.

### نتایج افسردگی

نتایج افسردگی بیکی از دو صورت زیر خود نمائی می‌کند:

۱ - بصورت مثبت یا فعال: در این حالت شخص افسرده به خشونت هرج و مرج طلبی، بزهکاری و بالاخره عصیانگری متوسل شده و با بهم ریختن نظم و صدمه زدن به دیگران عدم تعادل درونی خود را بروز می‌دهد<sup>(۳)</sup> آنچه تحت عنوان بزهکاری در نوجوانان در صفحات آتی خواهید دید تفصیلی از این نوع عکس‌العمل است.

۲ - بصورت منفی یا تحریک‌پذیر: در این حالت شخص با احساس گناه یا عدم اعتماد به نفس یا احساس حقارت و بالاخره ترسیدن و بعضاً روی آوردن به الکل یا مواد مخدر و حتی خود آزاری یا خود تخریبی از قبیل عدم رعایت بهداشت یا هرج و مرج جنسی و در نهایت اقدام بخودکشی وضعیت درونی خود را بروز داده<sup>(۴)</sup> و با این کیفیت می‌کوشد تا افسردگی و اضطراب خود را تخفیف داده و فرو نشانند، البته این تقسیم حالات دوگانه بدان معنی نیست که شخص تحریک‌پذیر روزی فعال یا عصیانگر نشود.

### عوامل مؤثر در ایجاد افسردگی:

عوامل مؤثر در ایجاد افسردگی فراوانند اما مهمترین این عوامل عبارتند از:  
۱ - گذر از دوران کودکی و بی‌خیالی بسوی دوران بزرگسالی و شکل گرفتن

۱ - روانشناسی رشد دکتر اشعاری نژاد فصل ۸.

Victor . Schoenhach . Kaplan . Wagner (Prevalance of self reported depressive symptoms in young adolescents) American . J . Public Health 1983.

۲ - زمینه روانشناسی جلد اول نوشته اتکینسون هملیگارد.

۳ - همان منبع.

Friedman . sarles . (out of control bhavier in adolscene).

4- James Coleman Abnormal Psychology and modern Life 5 th edition.

سازمان شخصیت نوجوان که معمولاً همراه با تعارضات درونی و آشفتگی‌های ذهنی است و در عرف روانپزشکی به سنین بحران معروف است و این دوران آکنده از تعارض و نوسان بین وابستگی و استقلال است. (نقش والدین در حمایت مالی از نوجوانان که احساس نیاز شدید بخود کفائی می‌کنند در این مقطع کاملاً حساس است) به عبارت دیگر وحشت و نگرانی نوجوانان از دنیای پیش روی که بدلیل بریدن از مامن و محل آسایش و رها شدن در آینده‌ای مبهم بوجود می‌آید از عوامل مؤثر در ایجاد افسردگی است.

۲- فشارهای خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی که «از معبر افسردگی و بعضاً» بطور مستقیم به بزهکاری منتهی می‌گردد و در این زمینه در مبحث دوم (بزهکاری در نوجوانان) توضیحات بیشتری خواهیم داد.

### بزهکاری در نوجوانان

بزهکاری چیست؟ برای شناخت مفهوم بزهکاری بایستی به توضیحی کوتاه در مورد بزه و بزهکار پرداخت.

#### بزه

به لحاظ نسبی بودن مفهوم بزه و تشتت نظریات حقوقدانان در این مورد آوردن تعریف جامع الاطرافی از بزه که گویای مفهوم آن در کلیه اعصار و اماکن باشد بسیار مشکل و حتی غیر ممکن است با همه احوال می‌توان بزه را در معنای عام «رفتار خلاف مصالح اجتماعی هر فرد» دانست.<sup>(۱)</sup> بنابراین، این پدیده بیانگر رابطه بین رفتار فرد و اجتماع است. مفهوم بزه یا جرم همیشه با مجازات همراه بوده و بین این دو پدیده نیز رابطه بسیار نزدیکی وجود دارد نسبی بودن مفهوم بزه این اقتضاء را دارد که یک روز انسانهایی بدلیل ارتکاب عملی سخت مجازات شوند و روزی دیگر انسانهایی به دلیل ارتکاب همان اعمال تشویق شوند. آنچه به عنوان بزه یا جرم تلقی گردد به درجات و اقسام مختلفی تقسیم می‌گردد، شایعترین این تقسیم بندیها تقسیم بزه به جرائم سنگین یا جنایت و جرائم متوسط یا جنحه و جرائم سبک یا خلاف می‌باشد.

۱- تعریف بزه از دیدگاه دانشمندان علوم مختلف نیز متفاوت است جامعه‌شناسان آنرا «مخالفت با آداب و سنن اجتماعی» می‌دانند در حالیکه دین‌شناسان از آن به «گناه» تعبیر نموده و علمای علم اخلاق آنرا زیرپا گذاشتن ضوابط اخلاقی و سجایای عالی انسانی می‌دانند.

جرم‌شناسان تقسیم‌بندی‌های بسیار دیگری نیز از جرم بدست داده‌اند که در کتب جرم‌شناسی مضبوط است. (۱)

## بزهدار (۲)

بزهدار به فردی اطلاق می‌گردد که با رفتار خود از قلمرو قانون خارج شده و پا به میدانی می‌گذارد که سایر انسانها از نزدیک شدن به آن امتناع دارند. در مطالعه بزهدار رابطه بین شخصیت و اجتماع مورد بررسی قرار می‌گیرد اصطلاح بزهدار از زمانی وارد قلمرو حقوق جزاء گردید که جرم‌شناسان پی بردند صرفاً مجازات کردن مجرمین و سرکوبی آنان تأثیر چندانی در زدودن آثار ناهنجاریهای اجتماعی نداشته و سنگین‌ترین کیفرها نتوانسته است جرم را نابود سازد و بعضاً موجب نتایج عکس نیز شده است. در اثر این تحول کوشش متخصصین حقوق جزاء مصروف شناخت شخصیت و خصوصیات فردی بزهداران گردید و در همین رابطه تحقیقات وسیع جرم‌شناسی با کمک روانشناسی، روانپزشکی و حتی چهره‌شناسی و مجسمه‌شناسی آغاز گردید و به تعبیر یکی از محققین برجسته حقوق جزاء، جرم‌شناسی و عده گاه تمام علوم از قبیل زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم پرورشی، تاریخ فرهنگ ملی، اقتصاد، آمار، بوم‌شناسی، و رشته‌های دیگر گردیده است.

آسیب شناسان اجتماعی از بزهداران طبقه‌بندی‌های گوناگون کرده‌اند که شاید معروفترین این طبقه‌بندیها از آن دانشمندان ایتالیائی است که بزهداران را به ۵ دسته مختلف بشرح زیر تقسیم کرده‌اند:

۱ - بزهداران مادرزاد (جانیان بالفطره).

۲ - بزهداران دارای اختلالات عضوی مغز.

۳ - بزهداران هیجانی.

۴ - بزهداران دیوانه و کودن.

۵ - بزهداران برحسب اتفاق. (۳)

۱ - الف - دکتر رضا مظلومان، کلیات جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه تهران.

ب - دکتر رضا علومی، جرم‌شناسی (ترجمه) از انتشارات امیرکبیر.

ج - دکتر مهدی کی‌نیا، مبانی جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه تهران.

۲ - Criminal

۳ - دیوید ابراهامسن، روانشناسی کیفری، (مترجم) دکتر پرویز صانعی ص - ۱۶۷.

سایر دانشمندان از قبیل لمبروز و گاروفالو وارنست دو پره طبقه بندیهای مشابهی از بزهکاران بعمل آورده‌اند که اطلاع بر آن برای محققین و پژوهشگران روانشناسی و روانپزشک بسیار جالب است.<sup>(۱)</sup>

### بزهکاری

به گفته یکی از محققین<sup>(۲)</sup> بزهکاری پدیده ایست که بدون توجه به بزهکار می‌توان آنرا مورد بررسی قرارداد و تراکم جرم، اهمیت تیپهای مختلف جرائم تغییرات احتمالی جرائم از نقطه نظر زمان، مکان، نژاد، مذهب و ... را دقیقاً تحقیق نمود.

بزهکاری اصولاً به مجموعه‌ای از جرائم اطلاق می‌گردد که در یک زمان و مکان معین به وقوع می‌پیوندد و در معنای واقعی، مطالعه گسترده در سطح یک جامعه‌ای است که در آن جرائم از دیدگاههای مختلف و از نقطه نظر عوامل بوجود آورنده آنها دقیقاً شناسائی واقع می‌شوند به همین جهت موقعی که بزهکاری بررسی می‌شود یعنی در حقیقت کلیه پدیده‌های اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی، سیاسی، مذهبی خانوادگی ... یک جامعه عمیقاً مورد مطالعه قرار می‌گیرد و بزهکاران از جهات مختلف، سن، جنس، نژاد، مجرد و تأهل، شهری و روستائی بودن، فقیر و متوسط و ثروتمند بودن ... تقسیم‌بندی می‌شوند. آنچه در بزهکاری مورد توجه خاص قرار می‌گیرد مطالعه رابطه بین عمل و شخصیت افراد است و همین بررسی پایه یکی از رشته‌های مهم جامعه شناسی تحت عنوان جامعه شناسی کیفی گردیده است.

### مفهوم نوجوانی در جرم‌شناسی و مرز مسئولیت کیفی

علیرغم تفاوت‌هایی که در علوم مختلف نسبت به مفهوم نوجوانی وجود دارد اصولاً نوجوان به کسی گویند که دوران خردسالی را که از بدو تولد شروع می‌گردد پشت سر گذاشته و بدوران برخورداری از درک حسن و قبح اعمال و

۱ - بیشتر جرم‌شناسان معاصر بزهکاران را در درجه اول به دو دسته عادی و غیر عادی تقسیم می‌کنند و سپس هر یک از دو دسته مذکور را به انواع مختلف تفکیک می‌نمایند آنچه مورد اتفاق همه آنان است اینکه تعداد بزهکاران عادی از غیر عادی بسیار بیشتر است و در میان بزهکاران غیر عادی می‌توان از انواع زیر نام برد:

بیماران مختلف روانی، عقب مانده‌ها، نوروزها، پسیکوپاتها، پسیکوزها، پارانویاک‌ها، هیستریها، بیماران الکلی، معتادان (مسموم شده‌ها بوسیله مواد مخدر)، بیماران جسمانی و غیره.

۲ - نقل از کتاب کلیات جرم‌شناسی، دکتر رضا مظلومان ص - ۱۱۴.

رفتار خود وارد می‌گردد و تا زمانی که شخصیت اجتماعی او شکل بگیرد دوام می‌یابد. در نظام‌های حقوقی مختلف سن نوجوانی متفاوت است. در نظام حقوقی اسلام و کشورهای که نظام حقوقی آنان مقتبس از حقوق اسلام است دوران نوجوانی دورانی است که به سن بلوغ ختم می‌گردد و با استثنای مواردی خاص که شخص بعد از سن بلوغ نیز ممکن است دچار نارسائیهای عقلانی باشد. علی‌الاصول دوران نوجوانی از سنین ۷ تا ۸ سالگی شروع و در سن بلوغ که در دختران ورود به ۹ سالگی و در پسران پایان ۱۵ سالگی است خاتمه می‌یابد. در نظام‌های حقوقی غرب دوران نوجوانی و مبری بودن کودک از مسئولیت کامل بعضاً تا سنین ۱۸ سال و حتی به ۱۹ سالگی نیز کشیده شده است (۱)

بنابراین می‌توان گفت بر حسب نظام‌های مختلف حقوقی سن نوجوانی از زمانی که مسئولیت ناقص کیفری فرد شروع می‌گردد شروع و با کامل شدن مسئولیت کیفری پایان می‌یابد. این دوران بخشی از دوران کودکی یا طفولیت است که فرد تحت عنوان «طفل ممیز» و به تعبیر قوانین ایران «صغیر ممیز» نامیده شده است. (۲)

این در حالی است که مفهوم نوجوانی از دید روانشناسی و یا روانپزشکی کمی گسترده‌تر است بنحویکه دوران گذر از کودکی (که با مفهوم خردسالی متفاوت است) به بزرگسالی را دوران نوجوانی گویند و شروع این دوره از ۱۲ سالگی و پایان آن حدود ۲۰ سالگی است. (۳)

### عوامل مؤثر در ارتکاب جرم

عوامل مؤثر در ارتکاب جرائم را می‌توان از دیدگاه کلی به سه دسته تقسیم کرد:

۱ - عوامل فردی (۴)

۲ - عوامل محیطی شامل عوامل اجتماعی بمعنای خاص و عوامل

جغرافیائی و خانوادگی و غیره.

۱ - این سن در بعضی ایالات آمریکا پایان سن نوجوانی محسوب گردیده است. ر. ک به روانشناسی کیفری Dnrl Abrahmsen ترجمه دکتر پرویز صانعی ص ۸۶ به بعد.

۲ - برای اطلاعات بیشتر در خصوص حدود مسئولیت کیفری نوجوانان ر. ک به دکتر محمد صالح ولیدی، حقوق جزا مسئولیت کیفری ص ۱۴۲.

۳ - صیناناسی، اختلالات خلقی و رفتاری در سنین بلوغ پایان نامه دکتری پزشکی ص ۲.

۴ - عوامل فردی شامل موارد زیر می‌گردد:

الف - ذاتی و ارثی.

ب - برون ذاتی یا اکتسابی.

ج - آماده کننده مانند بیماریها، الککل و صرع و غیره.

۳- عوامل اجتماعی به معنای عام شامل عوامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی.

### ۱- عوامل و خصوصیات فردی

بی تردید یکی از عوامل مؤثر در رفتار بزهکارانه خصوصیات شخصی افراد است. عده‌ای از جرم‌شناسان تحت عناوین مجرمین مادرزادی و یا تیپ شناسی جنائی به بررسی‌های مفصل در این زمینه پرداخته و معتقدند شخصیت مجرم تأثیر فراوانی در ارتکاب بزه داشته و بررسی ابعاد شخصیتی مجرمین کمک شایانی به تدوین مبانی و اصول جرم‌شناسی می‌نماید. ظهور اندیشه، آزمایش علمی شخصیت در قوانین کیفری کشورهای پیش رفته<sup>(۱)</sup> از همین طرز فکر نشأت گرفته است، این آزمایش دارای سه بعد مختلف: پزشکی، روانپزشکی، و اجتماعی است و این آزمایش امروز، عمدتاً در مورد جوانان بزهکار متداول است.<sup>(۲)</sup>

هدف اصلی جرم‌شناسان و متخصصین حقوق کیفری جدید از بررسی شخصیت بزهکار ملحوظ داشتن شخص بعنوان صاحب یک حق است، نه صرفاً موضوعی جهت اعمال مجازات. بنابراین خصوصیات فردی اشخاص از قبیل سن، میزان سواد رنگ پوست، و حتی شکل ظاهری بعضی اندامها در علاقمندی یا عدم علاقمندی آنها به ارتکاب بزه مؤثر است.

بطور خلاصه شناخت طبع و سرشت افراد یکی از فاکتورهای مهم در تشخیص خلق و خوی بزهکاری در انسانهاست و این طبع و سرشت منتهجه عناصر مهمی از قبیل وراثت، تعلیم و تربیت، عواطف و غیره می‌باشد.

### ۲- عوامل محیطی

تأثیر عوامل محیطی بر رواج بزهکاری امری مسلم و تردید ناپذیر است. همانطور که قبلاً اشاره شد این عوامل شامل شرایط خانوادگی، عوامل جمعیتی و عوامل طبیعی یا جغرافیائی است.

بجرات می‌توان گفت عامل نخست از مؤثرترین عوامل در ازدیاد یا کاهش میزان جرائم است. خانواده آینه شخصیت کودکان است. در کانونهای خانوادگی

۱- از جمله در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۹۵۸ فرانسه.

ناهمگن که معمولاً عواطف خانوادگی ضعیف و محدود است افراد بزهکار بیشتر پرورش می‌یابند. بعنوان مثال با اعتقاد همه محققان و حقوقدانان طلاق و ایجاد گسیختگی بین همسران، از عوامل مؤثر در پرورش افراد بزهکار بوده و در این قبیل خانواده‌ها بدلیل محرومیت فرزندان و نوجوانان از عواطف و ملامت‌های خانوادگی و مهر و محبت مادران، کودکان بخشونت گرائیده و بعضاً تمایلات رفتار مجرمانه یا بزهکاری در آنها بروز می‌کند. (۱) همچنانکه عوامل جمعیتی نیز نقش مؤثر دارد. توسعه شهرها و تراکم جمعیت در شهرهای بزرگ نیز از عوامل محیطی جرم‌زا محسوبند. بدین توضیح که در شرایط تراکم جمعیت امکانات وسیعتری برای ارتکاب جرم در دسترس اشخاص قرار می‌گیرد. بنابراین تراکم جمعیت و گمنامی و تحرک که برای مجرمین امکان فرار از چنگال قانون را فراهم می‌سازد نباید نادیده گرفت. آمار منتشره در کشورهای پیش رفته حکایت از این دارد که وقایع بزهکارانه مهم در شهرها بیشتر از محیط‌های روستائی و در بین شهرها آنجا که تراکم جمعیت بیشتر است موارد ارتکاب جرم فراوان‌تر می‌باشد. (۲)

منظور از عوامل طبیعی و جغرافیائی عواملی از قبیل آب و هوا و سرزمین و تغییرات جوی و غیره است که می‌تواند در رشد روح بزهکاری یا تخفیف آن مؤثر باشد. مثلاً وجود مخفیگاهها و یا محل‌های دور افتاده و یا جنگی و رودخانه پرآب و بالاخره خرابه‌ها و ابنیه مخروبه از عوامل مؤثر در ارتکاب جرم محسوبند.

### ۳ - عوامل اجتماعی در معنای عام

تأثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در اشاعه رفتار بزهکارانه از سایر عوامل کمتر نیست. محیط‌های اجتماعی اعم از محیط‌های عمومی یا کلی که همه اجتماع را شامل می‌گردد و محیط‌های محدود از قبیل محیط‌های انتخابی و یا اتفاقی (۳) و تحمیلی و اجتناب‌ناپذیر عوامل بسیار مؤثری در ارتکاب بزه محسوبند.

۱ - عوامل یا محیط خانوادگی اعم است از محیط‌های خانوادگی انتخابی و تحمیلی که در نوع اول شخص بزهکار در ایجادش تأثیر دارد در حالیکه در ایجاد محیط‌های خانوادگی تحمیلی همچنانکه از نامش پیداست شخص بزهکار تأثیری ندارد و از ناحیه پدر و مادر یا سایر افراد خانواده برای شخص ایجاد می‌گردد.

۲ - به نقل از کتاب جرم‌شناسی ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی ۱۳۷۰.

۳ - منظور از محیط‌های اتفاقی محیط‌هایی است که بطور تصادف در سر راه بزهکار قرار می‌گیرد مانند محیط‌های خدمت نظام وظیفه یا حرفه آموزی و بعضاً محیط‌هایی که در مسیر تحصیل برای فرد مهیا می‌گردد.

شاید بتوان در رأس علل یا عوامل اجتماعی عامل اقتصادی را قرار داد به عبارت دیگر فقر و ناداری تأثیر فراوانی در تشویق افراد به سوی بزهکاری دارد بیشتر سرقتها، اختلاسها، خیانت در امانت‌ها و کلاهبرداریها منشاء اقتصادی داشته و عمدتاً بوسیله افراد فقیر صورت می‌پذیرد.<sup>(۱)</sup> در عین حال تأثیر عوامل فرهنگی و اعتقادی بر کسی پوشیده نیست، چه کسی می‌تواند منکر این واقعیت گردد که ضعف مبانی اعتقادی و عدم پایبندی به اصول اخلاقی و تعالیم مذهبی تأثیر فراوانی در کشیده شدن افراد به سوی جرایم و خلافکاریها دارد، همچنانکه نظام سیاسی حاکم بر یک جامعه می‌تواند در تشویق یا عدم تشویق افراد به ارتکاب جرائم کمک کند.

با توجه به آنچه تاکنون گفته شد و علیرغم این واقعیت که بزهکاری در نوجوانان دارای علل پیچیده و غامض است ولی بطور کلی می‌توان علل اصلی بزهکاری را در چهار عامل زیر خلاصه کرد:

- ۱ - روابط نابهنجار خانوادگی.
- ۲ - بیماریهای روانی و عاطفی فرد.
- ۳ - وضعیت جسمانی مغز و غدد درون ریز داخلی.
- ۴ - تزلزل یا اختلالات اجتماعی.

و اگر بخواهیم علل پیش گفته را در یک کلام خلاصه کنیم می‌توانیم بگوئیم اکثریت نوجوانان بزهکار دچار عدم تعادل روحی و یا به اصطلاح بعضی حقوقدانان روان‌نژند هستند. ویژگیهای اکثر نوجوانان بزهکار را میتوان چنین برشمرد:

اینان دارای رفتاری خشک و خشن بوده و انعطاف ناپذیرند .  
از ترسهای بی‌پایه رنج برده و اکثراً تحت تأثیر محرکات آنی غیر قابل کنترل قرار می‌گیرند.

بدون اینکه دچار نارسائیهای مشخص عصبی باشند علائم مبهم اختلالات منشی از خود بروز می‌دهند.

---

۱ - در اینکه آیا عامل اقتصادی یکی از عوامل اجتماعی و در عرض سایر عوامل از قبیل ضعف اصول اخلاقی و اعتقادی و شرایط سیاسی و بالاخره عوامل جغرافیائی و غیره بوده و یا اینکه عامل اقتصادی بعنوان زیر بنای سایر عوامل اجتماعی بوده و سایر عوامل معلول شرایط اقتصادی بین محققین و صاحب نظران اختلاف است که شرح این مقولات در کتب حقوق جزاء از جمله کتاب جرم‌شناسی دکتر رضا علوی از انتشارات اقبال آمده است .

### راههای بازسازی و پرورش صحیح مجرمین

بزرگترین رسالت مراکز روان درمانی از یک طرف و مراجع قضائی و کیفری و بطور خاص بازداشتگاهها از طرف دیگر درمان نارسائیهای منشی و تربیت بزهکاران و منحرفین اجتماعی است. انجام این رسالت مهم در مورد نوجوانان بزهکار هم ضروری تر و هم عملی تر است ضروری تر از این جهت که نوجوانان نسل رو به رشد و آینده ساز هر جامعه بوده و نباید از نقش مؤثر آنها در سالم سازی و یا آلوده سازی جامعه (برحسب اینکه خود سالم یا آلوده باشند) غافل بود و عملی تر از این جهت که قابلیت انعطاف و تأثیرپذیری این نسل از نسلهای بالغ و یا افراد کامل بمراتب بیشتر است. اگر در هر جامعه مسئولین مراکز تربیتی اعم از مدارس در سطوح مختلف و یا مراکز روان درمانی که به لحاظ اشراف کافی متخصصین آن بر بیماریهای روانی و تنوع آنها و خطرات عظیمی که بعضی بیماران از این نوع می توانند ایجاد کنند بدانند که وظیفه سنگینی بردوش دارند و بالاخره صاحب منصبان قضائی در مراجع کیفری و زندانها به رسالت عظیم خود واقف باشند علاج رواج بی رویه جرائم چندان هم دشوار نیست. اولین توصیه در این رهگذر آنست که برنامه ریزان اجتماعی سیاست کیفری هر جامعه را بجای «انتقام جوئی» بر بنیاد «درمان بزهکاران» استوار سازند. اما این بدان معنی نیست که تفریط در تضعیف مجازاتهای عادلانه را جایگزین افراط در مجازاتهای سنگین و خشن سازیم و عدالت کیفری را به معنای پاداش دادن به بزهکاران تفسیر نمائیم بلکه همواره باید راه میانه را پیمود و سیاست کیفری را بنحوی طراحی نمود که متجاوزین به قانون و جرثومه های متجری و ضد اخلاق اجتماعی از جامعه طرد و در معرض مجازاتهای بازدارنده قرار گرفته و در مقابل مرتکبین اتفاقی و بویژه نوجوانان فریب خورده که با داشتن زمینه های مساعد اخلاقی بطور تصادفی در معرض القات سوء دسته اول قرار گرفته اند بطور ماهرانه تصحیح و در جهت فطرت انسانی خویش رهنمون گردند و رهنمونی بسوی فطرت وقتی محقق می گردد که در پیشگیری از جرائم از قوانین طبیعت تبعیت شود والا به گفته بسیاری از محققین علوم روانی و جزائی تأثیر مجازاتها بویژه نوع خشن آن بر مجرمین بسیار ناچیز و نامحسوس است و اگر اثری بر آن مترتب باشد تنها بر سایر افراد جامعه و کسانی است که هنوز آلوده به ارتکاب بزه نشده اند.

توصیه دوم اینکه به نهاد خانواده و استحکام بخشیدن آن به درجه‌ای که مورد عنایت اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته اهمیت داده شود در اصل مزبور آمده است «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی برپایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.»

و آخرین توصیه اینکه در اصلاح ساختار محیط‌های اجتماعی و فرهنگی برپایه تعالیم عالیہ اسلام کوشش نموده و سعی شود با تأمین محیط‌های سالم آموزشی و درجوار آنها فضاهای انبوه و فراوان تربیتی، ورزشی و تفریحات سالم، اندیشه و فطرت پاک نوجوانان را پرورش داده و نیروهای خداداد و نهفته در درون این ذخایر عظیم بشری را در جهتی سوق دهیم که انگیزه‌ای جهت رو آوردن به خطا کاریها و سر خوردگیها و خود باختگیها وجود نداشته باشد.